

کتاب دانیال - شماره هشتاد و سه

چهار نسل از ادونتیسیم لائودیکیه‌ای: گره‌گشایی از مکروهات فزاینده

Jeff Pippenger

2024-02-16

حزقیئیل کے آٹھویں باب میں چار بڑھتی ہوئی مکروهات پیش کی گئی ہیں جو لاؤدیکیاوی ایڈونٹ ازم کی چار نسلوں کی نمائندگی کرتی ہیں۔ 1863 کی بغاوت نے حقوق کی دو تختیوں کی ایک جعلی نقل پیدا کی، جس طرح ہارون نے جسد کی ایک جعلی مورت، اپنے سنہری بچھڑے کے ذریعے، عین اسی وقت تیار کی تھی جب خدا موسیٰ کو دس احکام کی دو تختیاں عطا کر رہا تھا۔ جب لاؤدیکیاوی ایڈونٹ ازم نے، جیسا کہ ولیم ملر کے خواب میں ظاہر کیا گیا ہے، بنیادی سچائیوں کو ہٹانے کا کام شروع کر دیا، تو پہلی نسل کی قیادت نے پہلے بائبل کے اختیار کو، اور پھر روح نبوت کو رد کرنا شروع کر دیا۔ یہ بغاوت اس حد تک بڑھ چکی تھی کہ کیلگ کا روحانیت پر مبنی نظریہ (پینتھی ازم)، 1888 سے کچھ ہی پہلے، ان کی تاریخ میں داخل ہو گیا۔

در طغیان سال 1888، روح‌گرایی ممثل در حجله‌های تصاویر حزقیال به نقطه‌ای رسید که در آن رسولان مینیاپولیس، و نبیه، و حتی خود روح‌القدس نیز مردود شمرده شدند.

«ما در تجربه خود دیده‌ایم که هرگاه خداوند پرتوهای نور را از در گشودهٔ قدس به سوی قوم خویش می‌فرستد، شیطان اذهان بسیاری را برمی‌انگیزاند. اما هنوز پایان فرانسیده است. کسانی خواهند بود که در برابر نور مقاومت خواهند کرد و آنان را که خدا ایشان را مجاری خویش برای رساندن نور قرار داده است، به زیر خواهند فشرد. امور روحانی به‌گونه‌ای روحانی تشخیص داده نمی‌شوند. دیده‌بانان همگام با عنایت آشکارشوندهٔ خدا پیش نرفته‌اند، و پیام و پیام‌آوران راستین آسمانی به تمسخر گرفته می‌شوند.»

«از این اجتماع مردانی بیرون خواهند رفت که دعوی دارند حقیقت را می‌شناسند، حال آنکه بر گرد جان‌های خویش جامه‌هایی فراهم می‌آورند که در دستگاه بافندگی آسمان بافته نشده است. روحی که در اینجا دریافت کرده‌اند، آن را با خود خواهند برد. من برای آینده کار ما می‌لرزم. آنان که در اینجا در برابر شواهدی که خدا داده است تسلیم نمی‌شوند، با برادرانی که خدا از ایشان استفاده می‌کند به جنگ برخوانند خاست. آنان این امر را بسیار دشوار خواهند ساخت، هنگامی که فرصت‌هایی پیش آید که بتوانند همان گونه نبردی را که تا کنون بدان مشغول بوده‌اند، به پیش برند و ادامه دهند. این مردان فرصت‌هایی خواهند داشت تا متقاعد شوند که علیه روح‌القدس خدا جنگیده‌اند. بعضی متقاعد خواهند شد؛ دیگران سخت بر روح خود خواهند ایستاد. آنان نسبت به خویشتن نخواهند مرد و نخواهند گذاشت که خداوند عیسی به دل‌هایشان وارد شود. ایشان هرچه بیشتر و بیشتر فریب خواهند خورد تا آنجا که دیگر نتوانند حق و عدالت را تشخیص دهند. آنان، تحت روحی دیگر، خواهند کوشید قالبی بر کار تحمیل کنند که خدا آن را تأیید نخواهد کرد؛ و خواهند کوشید با به دست گرفتن مهار ذهن‌های آدمیان و از این راه کنترل کردن کار و آرمان خدا، صفات شیطان را به منصف ظهور رسانند.»

«اگر برادران ما در این اجتماع روزه می‌داشتند و دعا می‌کردند و دل‌های خویش را در حضور خدا فروتن می‌ساختند، و آرام می‌نشستند تا کتب مقدس را با هم بررسی کنند، آنگاه خدا جلال می‌یافت. اما روح تعصبی که به آن اجتماع آورده شد، در غنی‌ترین برکت خدا را بست، و کسانی که این روح را داشتند، تا زمانی که در حضور خدا توبه نکنند و تا اندازه‌ای دریابند که چه اندازه به اهانت رساندن به روح‌القدس و داشتن روحی دیگر نزدیک شده‌اند، در موقعیتی مساعد برای

دیدن نور نخواهند بود.» The 1888 Materials, 832.

پس از ۱۸۸۸، خواهر وایت «برای آینده» کلیسا و کار خدا «لرزید». او دید که آن جلسه موجب استمرار جنگی روحانی در میان مردانی خواهد شد که رهبران ادونتیسیم لاودیکیه‌ای بودند، و جدال «قربانی دائمی» شاهی است بر اینکه پیشگویی‌های او درست بر همان نسل تحقق یافت. آنگاه جنگی به وسیله مردانی به راه افتاد که به «شواهدی که خدا داده بود» تا «پیام و پیام‌آوران آسمان فرستاده» را تأیید کند، «تسلیم» نشدند، و آن مردان بر ضد «روح‌القدس خدا» جنگیدند. نسل دوم نظاره‌گر بود که چگونه انتشارات و آسایشگاه، به وسیله آتش‌های داوری خدا، تا به بنیاد سوختند.

«آج مجھے ایلڈر ڈینیئلز کی جانب سے ریویو آفس کے آگ سے تباہ ہو جانے کے متعلق ایک خط موصول ہوا۔ جب میں مقصد الہی کے لیے اسی عظیم نقصان پر غور کرتی ہوں تو میرا دل نہایت غمگین ہو جاتا ہے۔ میں جانتی ہوں کہ یہ وقت ان بھائیوں کے لیے جو اس کام کی ذمہ داری پر مقرر ہیں، اور دفتر کے کارکنوں کے لیے، نہایت سخت آزمائش کا وقت ہوگا۔ جو سب مصیبت زدہ ہیں، میں ان سب کے ساتھ رنجیدہ ہوں۔ لیکن اس اندوہناک خبر پر مجھے تعجب نہ ہوا، کیونکہ رات کے رؤیا میں نے ایک فرشتہ دیکھا ہے جو آتشیں تلوار لیے ہوئے بتل کریک کے اوپر کھڑا تھا۔ ایک بار، دن کے وقت، جبکہ قلم میرے ہاتھ میں تھا، میں بے ہوش ہو گئی، اور یوں معلوم ہوا گویا یہ شعلہ بار تلوار پہلے ایک سمت کو اور پھر دوسری سمت کو پھر رہی ہو۔ یوں معلوم ہوتا تھا کہ ایک آفت کے بعد دوسری آفت آرہی ہے، کیونکہ خدا ان انسانی تدبیروں کے باعث بے حرمت کیا گیا تھا جو اپنے آپ کو سربلند اور جلیل کرنے کے لیے اختیار کی گئی تھیں۔»

«این بامداد در دعایی جدی و از صمیم دل برانگیخته شدم کہ خداوند همه کسانی را کہ با دفتر Review and Herald مرتبطانند، رہبری فرماید تا با جدیت به جست‌وجو بپردازند، تا دریابند کہ در چه مواردی پیام‌های بسیاری را کہ خدا به ایشان داده است، نادیده گرفته‌اند.»

«مدتی پیش برادران در دفتر ریویو از من دربارهٔ احداث ساختمان دیگری مشورت خواستند. من در آن زمان گفتم کہ اگر کسانی کہ موافق افزودن ساختمانی دیگر به دفتر ریویو اند ہرآنچه را در آیندہ پیش خواهد آمد در برابر خود ترسیم شدہ می‌داشتند، اگر می‌توانستند آنچه را در بتل کریک خواهد بود ببینند، دیگر هیچ پرسشی دربارهٔ برپا کردن ساختمان دیگری در آنجا نمی‌داشتند. خدا فرمود: "کلام من خوار شمرده شدہ است؛ و من برخوام گشت و واژگون خواهم ساخت، و واژگون خواهم ساخت."»

در کنفرانس عمومی کہ در سال 1901 در بتل کریک برگزار شد، خداوند به قوم خویش شواہدی عطا فرمود کہ نشان می‌داد او خواہان اصلاح است. ذہن‌ها متقاعد شدند و دل‌ها متأثر گشتند؛ اما کاری کامل و ہمہ‌جانبہ انجام نشد. اگر دل‌های سرکش در آن زمان با توبہ در حضور خدا شکستہ می‌شدند، یکی از عظیم‌ترین تجلیات قدرت خدا کہ تا کنون دیدہ شدہ است، به ظہور می‌رسید. اما خدا حرمت نگرید. به شہادت‌های روح او اعتنا نشد. مردم خود را از اعمالی کہ آشکارا در تضاد با اصول حقیقت و عدالت بود، و این اصول باید ہموارہ در کار خداوند محفوظ داشتہ شود، جدا نداشتند.

«پیام‌هایی کہ به کلیسای افسس و به کلیسای ساردس داده شدہ‌اند، بارها از سوی آن کسی کہ برای قوم خویش به من تعلیم می‌دہد، به من تکرار شدہ‌اند. «به فرشتہ کلیسای افسس بنویس: این را او می‌گوید کہ ہفت ستارہ را در دست راست خود نگاہ می‌دارد و در میان ہفت چراغدان زرین گام می‌زند: اعمال تو و زحمت تو و صبر تو را می‌دانم، و اینکہ چگونہ نمی‌توانی شیران را تحمل کنی؛ و آنان را کہ خود را رسول می‌خوانند و نیستند آزمودہ‌ای و ایشان را دروغگو یافتہ‌ای؛ و متحمل شدہ‌ای و صبر داشتہ‌ای و بہ‌خاطر نام من زحمت کشیدہ‌ای و سست نشدہ‌ای. لیکن این را بر تو دارم کہ محبت نخستین خود را ترک کردہ‌ای. پس بہ یاد آور کہ از کجا سقوط کردہ‌ای، و

توبه کن و اعمال نخستین را به جا آور؛ وگرنه به زودی نزد تو خواهم آمد و چراغدان تو را از جای خود برخواهم گرفت، اگر توبه نکنی.» مکاشفه ۱:۵-۵.

«و به فرشته کلیسای ساردیس بنویس: این را می گوید او که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد: اعمال تو را می دانم، که نامی داری که زنده ای، و حال آنکه مرده ای. بیدار باش، و آنچه را باقی مانده و نزدیک به مردن است استوار ساز، زیرا اعمال تو را در حضور خدا کامل نیافته ام. پس به یاد آور که چگونه یافته و شنیده ای، و آن را نگاه دار، و توبه کن. پس اگر بیدار نباشی، چون دزد بر تو خواهم آمد، و نخواهی دانست در چه ساعتی بر تو خواهم آمد.» مکاشفه ۱:۳-۳

«ما شاهد تحقق این هشدارها هستیم. هرگز کتاب مقدس به گونه ای سخت گیرانه تر از این ها به انجام نرسیده است.»

«آدمیان ممکن است استوارترین و با دقت ترین بناهای ضد حریق را برپا دارند، اما یک لمس از دست خدا، یک جرعه از آسمان، هر پناهگاهی را از میان خواهد برد.»

«دا پوینتنه شوې ده چې ایا زه د ورکولو لپاره کومه مشوره لرم. ما لا دمخه هغه مشوره ورکړې ده چې خدای ماته راکړې وه، په دې هیله چې هغه اورینه توره چې پر Battle Creek غورنده وه، د راولوېدو مخه ونیول شي. اوس هغه څه چې زه ترې وېرېدم، رامنځ ته شوي دي—د Review and Herald د ودانۍ د سوځېدو خبر. کله چې دا خبر راورسېد، ما هېڅ حیرانتیا احساس نه کړه، او ما د ویلو لپاره هېڅ خبرې نه لرلې. هغه څه چې ما وخت په وخت د خبرداریو په توګه ویلي دي، هېڅ اغېز یې نه دی کړی، پرته له دې چې هغه کسان یې لا نور سخت کړي چې اورېدلي یې وو، او اوس زه یوازې دا ویلی شم: زه ډېر خواشینې یم، په رښتیا ډېر خواشینې یم، چې اړینه وه دا ګوزار راشي. کافي رڼا ورکړل شوې وه. که پر هغې عمل شوی وای، نوره رڼا به اړتیا نه لرله.» Testimonies, volume 8, 97-99.

نسل دوم آدونتیسم پیروزی نبود، و در تحقق فصل هشتم حزقیال، این عصیان تنها همچنان تشدید می شد.

«به وسیله پیام های مکتوب و به وسیله آتش، خداوند اعلام کرده است که می خواهد قوم او از بتل کریک بیرون روند. خدا ما را یاری دهد تا صدای او را بشنویم. آیا برای ما هیچ معنایی ندارد که دو مؤسسه بزرگ ما در بتل کریک به وسیله آتش نابود شدند؟ ممکن است بگویید: "اما آسایشگاه جدید بیماران بسیاری دارد." بلی؛ اما اگر هزاران بیمار نیز در آنجا بودند، این هرگز دلیلی به نفع آن نبود که قوم ما در بتل کریک خانه بنا کنند و در آنجا ساکن شوند.»

«وسوسه ها در حال افزایش اند. انسان ها نوری را که خدا در شهادت های روح خود فرستاده است رد می کنند، و تدبیر خویش و نقشه های خود را برمی گزینند. آیا انسان ها همچنان به جدا ساختن خود از خدا ادامه خواهند داد؟ آیا او باید ناخشنودی خود را به گونه ای آشکارتر از آنچه تاکنون نشان داده است، ظاهر سازد؟» Pamphlets, SpTB06, 45.

مردان «اختراع های خویش و نقشه های خود را برمی گزیدند»، چنان که به وسیله آن هفتاد مشایخ در حجره های تصاویر باب هشتم حزقیال نمودار شده اند، که اعلام می کردند: «خداوند ما را نمی بیند.» خداوند نبی ای برانگیخت و به او «رؤیاهای آشکار» عطا فرمود، درست به مدت چهار سال، تا سال ۱۸۸۴. او امضای خود را بر این عطیه نهاد، زیرا آن را عطا کرد و در شهری به نام پورتلند به آن پایان داد، و آن را به مدت چهار سال عطا فرمود. اندکی پیش از توقف «رؤیاهای آشکار»، مردان قدیم در سال های ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲ شروع به تضعیف اقتدار کتاب مقدس و روح نبوت کردند. سپس «رؤیاهای آشکار» در سال ۱۸۸۴ پایان یافت، و چهار سال بعد، عصیان قورح، داتان و ابیرام در کنفرانس عمومی ۱۸۸۸ تکرار شد.

شورش ۱۸۸۸، شدت یافتن عصیان را پدید آورد که در آن خدا با مداخله مستقیم خود در تاریخ ادونتیسزم لائودیکیه‌ای وارد شد، آنگاه که کار انتشارات و کار بهداشت را به آتش سپرد. باین‌حال، آن دآوری‌های مستقیم نتوانست آن شورش را که در جریان بود بازدارد. در سال ۱۹۱۹، کنفرانسی کتاب مقدسی برگزار شد که در آن یکی از شورشیان اصلی نسل دوم، ویلیام وارن پرسکات، الهی‌دانی که در دانشگاه‌های پروتستانیسم مرتد تربیت یافته بود، به‌عنوان رهبر اصلی پیش‌برد دیدگاه شیطانی مدعی این که «مستمر»، نمایانگر خدمت مسیح در قدس است، سلسله‌ای از ارائه‌ها ایراد کرد.

تاریخ نشان داد که در آن کنفرانس کتاب مقدسی سال ۱۹۱۹، پرسکات انجیلی عرضه کرد که متشکل از حذف هر اصل پیام نبوی میلری‌ها بود. او حتی کوشید دو هزار و سیصد روز را نیز حذف کند، اما نتوانست از عهده آن برآید. با این همه، او انجیلی ارائه کرد که به‌کلی از دریافت‌های نبوی میلری‌ها تهی بود. انجیل او در آن جلسه رد شد، اما با وجود این، همان رهبران کور تصمیم گرفتند مجموعه ارائه‌های او را بگیرند و آن را در کتابی با عنوان «تعلیم مسیح» تنظیم کنند. آن کتاب به نام ظهور نسل سوم ادونتیسزم لائودیکیه‌ای بدل شد.

کتاب، انجیلی دیگر را غیر از انجیل میلری باب دوم حقوق نمایان می‌سازد، و پولس ما را آگاه می‌کند که انجیل دیگر، اصولاً انجیل نیست.

من در شگفتم که شما بدین زودی از آن که شما را در فیض مسیح فراخواند، به سوی انجیلی دیگر برگشته‌اید؛ حال آنکه آن، انجیل دیگری نیست؛ بلکه کسانی هستند که شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند انجیل مسیح را تحریف کنند. لیکن اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، غیر از آن انجیلی که به شما بشارت دادیم، انجیلی دیگر به شما بشارت دهد، ملعون باد. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، اکنون نیز باز می‌گویم: اگر کسی غیر از آنچه پذیرفته‌اید، انجیلی دیگر به شما بشارت دهد، ملعون باد. غلاطیان ۱: ۹-۱۱

نسل سوم ادونتیسزم با سومین رجاست حزقیال نمایانده می‌شود، جایی که زنان برای تموز می‌گیرند. تموز ایزدی میان‌رودانی بود که با باروری و ادوار رویش گیاهان ارتباط داشت. تموز گاه به صورت شبانی یا جوانی تصویر می‌شد و با دگرگونی فصل‌ها و رشد محصولات کشاورزی پیوند داشت. مرگ تموز و سپس رستاخیز او با تقویم کشاورزی مرتبط بود. بنا بر اسطوره، تموز در ماه‌های تابستان می‌مرد یا ناپدید می‌شد، و این امر بازنمایی پژمردگی گیاهان در فصل گرم و خشک دانسته می‌شد. گریستن برای تموز آیینی سوگوارانه بود که شامل نوحه‌سرایی بر مرگ یا ناپدید شدن تموز در ماه‌های تابستان می‌شد، و سپس با شادمانی بر رستاخیز او همراه بود؛ رستاخیزی که نماد نوزایی گیاهان و حیات کشاورزی بود.

سوگواری برای تموز، نمایانگر پیامی قلبی از باران آخر است؛ و این همان چیزی است که انجیل W. W. Prescott مظهر آن بود. برداشته شدن بنیاد نبوی، که در شورش ۱۸۶۳ آغاز شد، در سال ۱۹۱۹ به نقطه‌ای رسید که ادونتیسزم لائودیکیه‌ای اجازه داد آن انجیل کاذب استقرار یابد. آن انجیل کاذب به‌طور کامل بر روش‌شناسی پروتستانیسم مرتد مبتنی بود. معمار اصلی آن W. W. Prescott بود، و همان‌گونه که درباره William Miller نیز صادق است، انجیل هر دو مرد بر فهم بنیادی ایشان از «مداوم» در کتاب دانیال استوار بود. هر دو انجیل در بخش ۲ Thessalonians بازنمایی شده‌اند، جایی که Miller نخست دریافت که «مداوم» نمایانگر بت‌پرستی است. در آن بخش، گروهی که با Miller بازنمایی شده‌اند، حقیقتی را که پولس عرضه می‌دارد می‌پذیرند، و گروهی دیگر هستند که محبت حقیقت را در خود ندارند.

یک طبقه در ایام آخر، که به‌وسیله میلر نمایندگی می‌شود، «باران آخر» را «تشخیص» داده و می‌پذیرد، و طبقه‌ای دیگر، که به‌وسیله پرسکات نمایندگی می‌شود، دچار ضلالت شدید می‌گردد. این

ضلالتِ شدید که ایشان می‌پذیرند، بر بشارتی کاذب مبتنی است، که اصلاً بشارت نیست، و این، پیامی کاذب از باران آخر را مشخص می‌سازد. بنابراین، سومین مکروه در حزقیال، زنان‌اند (کلیساهای ادونتیسیم لائودیکیه‌ای)، که برای تموز می‌گیرند. اشک‌های تابستانی آنان (باران)، باید میوهٔ حصاد را به بار آورد.

تمایز میان دو نوع پیام باران آخر، سراسر کتاب مقدس و روح نبوت را دربرمی‌گیرد. کتاب مقدس بارها تصریح می‌کند که باران از قومی نافرمان بازداشته می‌شود.

ایشان می‌گویند: اگر مردی زن خود را رها کند، و او از نزد وی برود و از آن مردی دیگر شود، آیا آن مرد باز به سوی او رجوع خواهد کرد؟ آیا آن سرزمین به‌غایت آلوده نخواهد شد؟ اما تو با عاشقان بسیار زنا کرده‌ای؛ باین‌حال، نزد من بازگرد، خداوند می‌فرماید. چشمان خود را به سوی بلندی‌ها برفراز کن و بنگر که کجا با تو هم‌بستر نشده‌اند. بر سر راه‌ها برای ایشان نشسته‌ای، مانند عربی در بیابان؛ و زمین را به زناکاری‌های خود و به شرارت خویش آلوده ساخته‌ای. ازاین‌رو، باران‌ها بازداشته شده است و باران آخر نباریده است؛ و تو پیشانی زنی زناکار را داشتی، و از شرم کردن سر باز زدی. ارمیا 3:1-3

ادونتیسیم لائودیکیه در سال ۱۸۶۳ آغاز به روسپی‌گری روحانی کرد، و از آن زمان تاکنون باران‌ها بازداشته شده‌اند. آنان از شورش خود شرم نمی‌کنند، و این فقدان فروتنی، پیشانی روسپی را پدید می‌آورد؛ و روسپی نبوت کتاب مقدس همان پاپیت است. نسل سوم جایی است که کار نهایی آماده‌سازی برای سر فرود آوردن در برابر نشان روسپی روم به انجام می‌رسد. آماده‌سازی برای نسل چهارم در نسل سوم، به واسطهٔ پیامی جعلی از باران آخر، تحقق می‌یابد. همان‌گونه که شورش ۱۸۶۳، و شورش ۱۸۸۸، شورش ۱۹۱۹ نیز با ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هم‌راستا است، زیرا هنگامی که در آن هنگام ساختمان‌های شهر نیویورک فرو ریختند، فرشتهٔ زورمند مکاشفه هجده فرود آمد و باران آخر حقیقی آغاز شد.

«باران آخر باید بر قوم خدا فرو ریزد. فرشته‌ای نیرومند باید از آسمان فرود آید، و تمامی زمین باید از جلال او روشن گردد.» Review and Herald، 21 آوریل 1891.

چون باران آخر آغاز شد، پیران کهن ادونتیسیم لائودیکیه آن را به‌عنوان باران آخر تشخیص ندادند، زیرا با پیامی کاذب دربارهٔ باران آخر تلقین شده بودند؛ پیامی که حزقیال آن را به‌صورت زانی که برای تموز می‌گریستند به تصویر می‌کشد، و در کاربرد، به‌منزلهٔ پیامی از صلح و اطمینان است.

«تنها کسانی که مطابق نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتر دریافت خواهند کرد. مگر آنکه ما هر روز در تجسم فضایل فعال مسیحی پیشرفت کنیم، تجلیات روح القدس را در باران آخر نخواهیم شناخت. ممکن است آن بر دل‌های اطراف ما فرو ریزد، اما ما آن را تشخیص نخواهیم داد و دریافت نخواهیم کرد.» شهادت‌ها برای خادمان، 507.

شناختن فرارسیدن باران آخر برای پاسبانان قوم ناممکن بود، زیرا انجیل کاذب ایشان دربارهٔ باران آخر کاذب، امکان هرگونه ظهور قدرت خدا را، چنان‌که در اعصار پیشین بوده است، انکار می‌کرد.

«در کلیساهای تجلی شگفت‌انگیزی از قدرت خدا خواهد بود، اما این بر کسانی اثر نخواهد گذاشت که خویشتن را در حضور خداوند فروتن ن ساخته‌اند و در دل را به اعتراف و توبه نگشوده‌اند. در ظهور آن قدرتی که زمین را از جلال خدا روشن می‌سازد، آنان فقط چیزی را خواهند دید که در کوری خود آن را خطرناک می‌پندارند، چیزی که ترس‌های ایشان را برخواهد انگیخت، و خود را برای مقاومت در برابر آن آماده خواهند کرد. چون خداوند بر وفق تصورات و انتظارات آنان عمل نمی‌کند، با این عمل به مخالفت برخوانند خاست. ایشان می‌گویند: «چرا نباید ما روح خدا را

بشناسیم، در حالی که این همه سال در این کار بوده ایم؟» —از آن رو که به هشدارها و استغاثه های پیام های خدا پاسخ ندادند، بلکه مصرانه گفتند: «دولتمندم و ثروت اندوخته ام و به هیچ چیز محتاج نیستم.» استعداد و تجربه طولانی، انسان ها را مجاری نور نخواهد ساخت، مگر آنکه خویشتن را زیر پرتوهای درخشان آفتاب عدالت قرار دهند و به واسطه عطاء روح القدس خوانده شوند و برگزیده گردند و آماده ساخته شوند. هنگامی که مردانی که با امور مقدس سروکار دارند خویشتن را زیر دست نیرومند خدا فروتن سازند، خداوند ایشان را سرافراز خواهد کرد. او آنان را مردان بصیرت خواهد ساخت — مردانی غنی در فیض روح او. صفات نیرومند و خودخواهانه منش آنان، سرسختی ایشان، در نوری که از نور جهان می تابد دیده خواهد شد. «به زودی نزد تو خواهیم آمد و چراغدانت را از جای خود برخوایم داشت، اگر توبه نکنی.» اگر خداوند را با تمامی دل خود بطلبید، از او یافته خواهید شد. Review and Herald, December 23, 1890

بزرگان باب هشتم حزقیال، در سال ۱۹۱۹ انجیل صلح و سلامتی را پذیرفتند، و هنگامی که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، ثمره آن عصیان فزاینده در ناتوانی ایشان از تشخیص فرارسیدن باران آخر آشکار شد. در تاریخی که از زمان آخر در سال ۱۹۸۹ آغاز می شود، خداوند حرکت میلیری را مو به مو تکرار کرد. میلر نمادی از ایلیا بود، و ایلیا با تأکید تمام به اخاب گفته بود که بارانی نخواهد بود، مگر به کلام ایلیا. ما در مقاله بعدی، بررسی خود را از نسل سوم ادونتیسیم ادامه خواهیم داد.

آنان که از انحطاط روحانی خویش اندوهگین نمی شوند و بر گناهان دیگران سوگواری نمی کنند، از مهر خدا بی بهره خواهند ماند. خداوند رسولان خود را، یعنی مردانی را که سلاح های کشتار در دست دارند، مأمور می سازد: «در پی او از میان شهر بگذرید و بزنید؛ چشمتان ترحم نکند و شفقت مورزید: پیر و جوان، دوشیزگان و اطفال و زنان را بالکل هلاک کنید؛ اما به هیچ کس که نشان بر اوست نزدیک نشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید. پس ایشان از مشایخ پیش خانه آغاز کردند.»

«در اینجا می بینیم که کلیسا — مقدس خداوند — نخستین جایی بود که ضربه خشم خدا را احساس کرد. مشایخ، همانانی که خدا به ایشان نور عظیم بخشیده بود و به منزله پاسداران منافع روحانی قوم ایستاده بودند، امانت خویش را خیانت کرده بودند. آنان این موضع را اختیار کرده بودند که دیگر نباید در انتظار معجزات و ظهور آشکار قدرت خدا، چنان که در روزگاران پیشین بود، باشیم. زمانه دگرگون شده است. این سخنان پی ایمانی ایشان را تقویت می کند، و می گویند: خداوند نه نیکی خواهد کرد و نه بدی. او بیش از آن رحیم است که قوم خود را با داوری تفقد کند. بدین سان، «سلامتی و ایمنی» فریادی است از سوی مردانی که دیگر هرگز آواز خود را چون کرنا بلند نخواهند کرد تا تعدیات قوم خدا و گناهان خاندان یعقوب را به ایشان بنمایانند. این سگان گنگ که بانگ بر نمی آوردند، همان کسانی اند که انتقام عادلانه خدای آزرده را احساس می کنند. مردان، دوشیزگان، و کودکان خردسال، همگی با هم هلاک می شوند.»

«آن مکروهاتی که وفاداران برایشان آه می کشیدند و می نالیدند، همه آن چیزی بود که چشم های محدود انسان قادر به تشخیص آن بود؛ اما به مراتب بدترین گناهان، یعنی آنانی که غیرت خدای پاک و قدوس را برمی انگیزتند، آشکار نشده بودند. آن جست و جوگر عظیم دل ها هر گناهی را که در خفا به وسیله عاملان شرارت ارتکاب می یابد، می داند. این اشخاص در فریب های خود به احساس امنیت می رسند و به سبب بردباری او می گویند که خداوند نمی بیند، و سپس چنان رفتار می کنند که گویی او زمین را ترک کرده است. اما او ریاکاری ایشان را آشکار خواهد ساخت و آن گناهی را که با چنان دقتی پنهان می داشتند، در برابر دیگران برملا خواهد کرد.»

”نه مرتبه کی برتری، نه وقار، نه دنیوی حکمت، اور نہ ہی مقدس عہدے پر فائز ہونا، انسانوں کو اس بات سے محفوظ رکھ سکے گا کہ جب وہ اپنے فریب کار دلوں کے حوالے چھوڑ دیے جائیں تو اصول

کو قربان نہ کریں۔ جنہیں لائق اور راست باز سمجھا گیا ہے، وہی ارتداد کے سرغے اور بے پروائی اور خدا کی رحمتوں کے غلط استعمال میں نمونہ ثابت ہوتے ہیں۔ اُن کی شریر روش کو وہ اب مزید برداشت نہ کرے گا، اور اپنے غضب میں وہ اُن کے ساتھ رحمی کے ساتھ معاملہ کرتا ہے۔“

»این با اکراه است کہ خداوند حضور خود را از کسانی بازمی‌گیرد کہ از نور عظیم برخوردار شده‌اند و در خدمت بہ دیگران، قدرت کلام را احساس کرده‌اند۔ آنان زمانی خادمان امین او بودند و از حضور و ہدایت او بہرہ‌مند بودند؛ اما از او منحرف شدند و دیگران را بہ گمراہی کشاندند، و از این‌رو تحت ناخشنودی الہی قرار گرفتند۔« شہادت‌ہا، جلد ۵، ۲۱۱، ۲۱۲۔